

**کاربردشناسی واژگانی در متن «چتر، گربه و دیوار
باریک» نوشته رضا قاسمی**

م.د صلاح محمد محمد علي جلوخان

**جامعة آل البيت (ع) / كلية العلوم الإسلامية / قسم السياحة
الدينية**

زبان یکی از ابزارهای مهم و تأثیرگذار است. زبان آن زمان می‌تواند رسالت اثرگذارش را نشان دهد که حامل اندیشه، تفکر و احساس باشد. آنچه گفتیم محدود به تعاریف و مباحث نظری نیست بلکه در کاربردهای زبانی نیز خود را نشان داده است. یکی از بخش‌های مهم زبان، واژگان است. کاربران زبان به دلایل گوناگون و برحسب نیازهای مختلف اعم از بیان اندیشه، عقاید و احساسات خود از واژگان استفاده می‌کنند. به منظور فهم و درک دقیق‌تر گفتار و متن کاربران و خالقان آثار می‌بایست به کاربردهای واژگان در بستر و بافت کلامی گفتار و متن آنها توجه کرد. این امر درک آگاهانه و فهم درست و نزدیک به منظور کاربران و خالقان آثار را در پی دارد. این پژوهش به مطالعه و بررسی واژگان به کار رفته در متن «چتر، گربه و دیوار باریک» نوشته رضا قاسمی می‌پردازد. بدین منظور واژگان مندرج در این متن به لحاظ ساختمان واژگانی، نقش‌های صفت و موصوف، قید، عدد و معدود، رنگ، نشانه‌های جمع فارسی، واژگان جمع عربی، ضمائر، نام‌آوا، واژگان عربی و فرنگی، اسامی خاص استخراج و بررسی شدند. به منظور رسیدن به مهم‌ترین خصیصه‌های کاربردشناسی واژگانی متن «چتر، گربه و دیوار باریک»، پرسامدترین کاربردهای واژگانی آن‌چنان که در مطالعات و بررسی‌های سبک‌شناسی لحاظ شده است برشمرده می‌شود.

کلیدواژگان:

چتر گربه و دیوار باریک، داستان، کاربردشناسی واژگان، ادبیات داستانی، سبک‌شناسی بیان مسئله

متون و آثار خلاقه ادبی و هنری در جزئی‌ترین بخش‌های خود قابل‌بررسی است و می‌توان با مطالعه این اجزا به درک و فهم این آثار نزدیک‌تر شد. یکی از بخش‌هایی که ما را به مطالعه دقیق و فهم درست آثار رهنمون می‌کند، مطالعه واژگانی و کاربردشناسی واژگانی آثار است. اینکه خالقان آثار به شکلی از زبان بهره برده‌اند و واژگان را چگونه در اثر خویش به کار گرفته‌اند. واژگان در متن «چتر، گربه و دیوار باریک»، به چه شکلی مورد استفاده قرار گرفته‌اند و کاربردهای واژگانی به چه سمت‌وسویی روانه شده است؟ واژگان در این متن، به لحاظ ساختمان واژه، نقش‌های صفت و موصوف، قید، عدد و معدود، رنگ، نشانه‌های جمع فارسی، واژگان جمع عربی، ضمائر، نام‌آوا، واژگان عربی و فرنگی، اسامی خاص، اسم کشور چه جایگاهی دارند؟ موارد مذکور مهم‌ترین مسئله‌های ما در این پژوهش به شمار می‌روند. کوشش شده است در این پژوهش به پاسخ این مسائل دست یابیم.

اهمیت و ضرورت مسئله

متون داستانی و غیرداستانی بازتاب‌دهنده عقاید و افکار خالقان این آثار است. مطالعه واژگان و کاربردشناسی واژگانی آثار ایشان می‌تواند ما را به شناخت سبک نوشتاری و درک دقیق‌تر آثار ایشان رهنمون کند.

اهداف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش کاربردشناسی واژگانی متن «چتر، گربه و دیوار باریک» نوشته رضا قاسمی است.

نوع پژوهش

این پژوهش در حوزه پژوهش‌های توصیفی، تحلیلی می‌گنجد. نگارنده می‌کوشد پس از مطالعه و گردآوری داده‌ها از متن «چتر، گربه و دیوار باریک» و نیز تحقیقات پژوهندگان، نویسندگان و زبان‌شناسان آنها را طبقه‌بندی، تبیین و تحلیل نماید.

پیشینه ی پژوهش

تا کنون مقالات و پژوهش‌های متعددی در ارتباط با ویژگی‌های زبانی آثار ادبی نوشته شده است اما بررسی کاربردشناسی واژگانی با تمرکز بر متن «چتر، گربه و دیوار باریک» تا کنون انجام نشده است. نگارنده در این پژوهش در پی بررسی این موضوع خواهد بود.

روش پژوهش

این پژوهش بر اساس روش کتابخانه ای فراهم شده است و در این میان کتاب‌های زبان‌شناسی، دستور، ادبی و مقالات و پژوهش‌های متعددی مطالعه شد. متن «چتر، گربه و دیوار باریک» به عنوان اصلی‌ترین منبع اساس مطالعه قرار گرفته است.

۱- مقدمه

زبان یکی از خارق‌العاده‌ترین استعدادهای بشر است. یکی از اسباب این شگفتی را در این می‌دانند که انسان تنها موجودی است که زبان دارد و با استفاده از زبان می‌تواند اندیشه، عاطفه و احساس خود را منتقل کند. بر همین اساس زبان را مهم‌ترین و برجسته‌ترین ابزار ارتباطی میان مردم و اصلی‌ترین عامل شکل‌گیری جوامع و فرهنگ و دانش و تمدن و هنر می‌دانند. بسیاری از کارشناسان معتقدند اگر زبان وجود نداشت، بشر با حیوانات تفاوت و تمایزی نداشت.

«از دیرباز رویکردهای گوناگونی به زبان وجود داشته و به دنبال آن راهکارها و ابزارهای مختلفی برای یافتن معنا از آن ارائه شده است» (میرحاجی و نظری، ۱۳۹۲: ۱۷۹). باطنی زبان را یک مفهوم کلی دانسته که از اجتماع گونه‌های متعدد ساخته شده است و این گونه‌ها را از نظرگاه‌های گوناگون می‌توان طبقه‌بندی کرد (باطنی، ۱۳۸۳: ۸).

«می‌توان زبان را مجموعه‌ای از جملات بی‌شمار دانست که هر کدام از این جملات شکل آوایی و تعابیر معنایی ویژه‌ای را دربرمی‌گیرند. بر این اساس، دستور زبان را می‌توان نظامی متشکل از قواعد تعریف کرد. این قواعد شکل آوایی و معنایی را در هر جمله مشخص می‌کنند» (رک مشکوه الدینی، ۱۳۶۴: ۷).

بسیاری از صاحب نظران مقوله دستور زبان را از مباحث دشوار می‌دانند که «بررسی و مطالعه آن به سبب عدم قطعیت و نظرات و مؤلفه‌های گوناگون با پیچیدگی‌های زیادی همراه است» (احمدی گیوی، ۱۳۸۰: ۲۷ و ۲۸).

بررسی جملات و ساختار آنها یکی از مهم‌ترین راه‌های شناخت آثار ادبی است. «زبان عنصر مهم و اصلی شاعر است و کارکرد ادبی زبان و کیفیت آن در متون نظم و نثر از مهم‌ترین راه‌های شناخت و درک آثار است» (صفوی، ۱۳۷۳: ۵۱).

۲- کاربردشناسی واژگانی

ویتگنشتاین در بررسی‌های خود زبان را مورد بحث قرار می‌دهد و بر صورت‌های بیانی و زبانی تأکید می‌کند. فعالیت‌های فکری و شکل بیانی وی بیشتر بر فعالیت‌های نوشتاری متمرکز است (اوربان، ۱۳۸۴: ۱۴۴).

از دیرباز نگاه‌ها و رویکردهای گوناگونی به زبان وجود داشته است و به دنبال آن ابزارها و راهکارهای مختلفی برای بررسی و معنایابی آن ارائه شده است. کاربردشناسی واژگانی را نیز می‌توان از همین مقوله دانست و رویکرد آن را نیز همسو با همین نگرش دانست. هر کلامی شامل دو بخش محوری است:

الف) بافت زبانی که شامل مولفه‌های واژگانی، آوایی، صرفی و نحوی است.

ب) بافت موقعیت یا همان بافت غیرزبانی که به ساخت، انتقال و دریافت کلام می‌پردازد (میرحاجی و نظری ۱۳۹۲: ۱۸۱).

بسیاری از صاحب‌نظران و کارشناسان اولین قدم در شناخت یک متن را، شناخت واژگان آن متن می‌دانند. به‌گونه‌ای که بدون توجه به آن، مراحل بعدی شناخت دچار نقص خواهد شد. شناخت واژگان و کارکرد آنها در بافت کلام سبب راهگشایی لایه‌های ساختاری و معنایی کلام می‌گردد.

امروزه بر این نکته تأکید می‌شود که «یادگیری زبان و به تبع آن شناخت واژگان هر زبان می‌بایست بر پایه کاربردشناسی زبان و ارتباط آن با دیگر کاربران زبان صورت گیرد» (ر.ک نقویان و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۸).

این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که «هدف اصلی کاربردهای زبانی و به شکلی جزئی‌تری کاربردهای واژگانی، انتقال اطلاعات و داده‌های گوناگون است. این مهم به دور شیوه اصلی انجام می‌شود که در روش اول صراحت و شفافیت زبانی و واژگان اهمیت دارد و در روش دوم؛ قدر و منزلت مخاطب و موقعیت کاربردها اهمیت می‌یابد» (ر.ک مقدسی‌نیا، ۱۳۹۳: ۲۱۰).

علاوه بر موارد ذکر شده «زبان سبب پدید آمدن برجسته‌ترین هنر آدمی است و این هنر همان ادبیات است. به بیان دیگر ادبیات هر قوم از اختیارات زبانی هر قومی به شمار می‌رود و نشأت گرفته از زبان است. و اگر ما زبان نداشتیم بی‌شک شعر و ادبیات نیز متولد نمی‌شد» (فرشیدورد، ۱۳۷۹: ۲).

۳- معرفی رضا قاسمی

«رضا قاسمی متولد سال ۱۳۲۸ زاده اصفهان و ساکن پاریس است» (طاهری و دستمالچی، ۱۳۹۹: ۱۶۰). «رضا قاسمی فعالیت ادبی خود را با نگارش و انتشار نمایشنامه «کسوف» آغاز کرد. او در ادامه نمایشنامه‌های گوناگون و موفقی نوشت و آنها را به صحنه برد. قاسمی پس از مهاجرت دو نمایشنامه نوشت و پس از آن برای همیشه با تئاتر و صحنه خداحافظی کرد. پس از وداع با تئاتر، قاسمی به نگارش رمان روی آورد. نخستین رمان رضا قاسمی، همنوایی شبانه ارکستر چوب‌ها است. این رمان جوایز متعددی از جمله بهترین رمان از نگاه منتقدان و نویسندگان مطبوعات، بهترین رمان بنیاد گلشیری و تندیس ویژه رمان تحسین‌شده مهرگان ادب. رمان «چاه بابل» و «وردی که بره‌ها می‌خوانند» از دیگر رمان‌های قاسمی است که در خارج از کشور نوشته شده است» (ر.ک، رامین‌نیا و ابراهیمی ایور، ۱۳۹۷: ۴۰).

۴- نگاهی به «چتر، گربه و دیوار باریک» نوشته رضا قاسمی

«چتر، گربه و دیوار باریک» متنی از رضا قاسمی است که نشانه‌هایی از خاطر‌نویسی را در خود دارد.

«خاطر‌نویسی راهی برای زنده نگاه داشتن یادها، تجربه‌ها و خاطرات یک ملت است تا همچون چراغی فرا روی آفرینش‌های هنری و ادبی نسل‌های آینده قرار گیرد» (ایروانی، ۱۳۸۶: ۷۴).

قاسمی در این نوشته، چگونگی نویسنده شدن خود را شرح می‌دهد و با زبانی داستانی به آن می‌پردازد. این متن نخستین بار در سال ۱۳۷۶ در مجله آرش چاپ شد.

رضا قاسمی در «چتر، گربه و دیوار باریک» از آغاز نوجوانی خود می‌گوید و کلاس انشا. او در ادامه از علاقه‌مندی‌اش به نوشتن و افتادن در وادی نوشتن می‌گوید.

اسم ساده	صفحه	اسم مرکب	صفحه	اسم مشتق	صفحه	اسم مشتق_مرکب	صفحه
ساعت	۱	خوشحال	۱	مچی	۱	خوشحالی	۱
اتاق	۱	رونویس	۱	گوشه	۱	یکی‌یکی	۲
گاو	۱	نش کلاس	۱	نویسنده	۱	در هم شکسته	۲
دفتر	۱	زورخانه	۱	کارگر	۱	رنگ‌پزیده	۳
گمان	۱	پیگیر	۱	درسی	۱	ترس‌خورده	۳
کار	۱	سرانجام	۱	دیگری	۱	پخ‌زده	۳
پا	۱	سحرآمیز	۲	ممنوعه	۲	منجمدشده	۳
روز	۲	قلمرو	۲	حلبی	۲	سرسیزی	۳
کتاب	۲	اول‌بار	۲	انگلیسی	۲	روزنامه‌ای	۳

زمان	۲	یکی یکی	۲	درمانده	۲	بغل دستی	۴
هیچ	۲	یک آن	۲	زیبا	۲	سه سالی	۴
شیر	۲	تمام وقت	۳	بی هوش	۲	چمن به چمن	۴
پسر	۲	هیچ گاه	۳	شکسته	۲	رنگ پریده	۴
آرام	۲	راهرو	۳	هفته	۳	نیمه شب	۴
زنگ	۳	چهار چوب	۳	چتری	۳	هفده ساله	۴
وقت	۳	میخکوب	۳	لرزان	۳	همشهری	۵
در	۳	بی هیچ	۳	سنگی	۳	سر و ته	۵
رنگ	۳	یکسو	۳	ابلهانه	۳	چند روزه	۵
هوا	۳	سرسبز	۳	اصلی	۳	گیج کننده	۵
خاموش	۳	سرنوشت	۳	پهنا	۳	دور افتاده	۵
گره	۴	درهم	۳	کارمند	۳	چاپ شده	۵
وهم	۴	روزنامه	۳	نابینا	۳	آخر الزمانی	۵
بزرگ	۴	گل پری	۳	روشنا	۳	کشاکش	۶
قد	۴	تمریش	۳	بی اختیار	۴	پس گردنی	۶
خدا	۴	انثانویس	۴	نیمه	۴	آهنگ سازی	۶
حال	۴	سایه گستر	۴	شادی	۴		
خم	۵	روضه خوان	۴	مهربان	۴		
رویا	۵	تخت خواب	۴	ورزیده	۴		
زنده	۵	سیام رنگ	۴	شیشه ای	۴		
سال	۵	یکدم	۴	هستی	۴		
بازی	۵	تاشو	۴	تاریکی	۴		
کوچه	۵	ماه شهر	۴	گرما	۴		
رمز	۵	مہتاب	۵	سپیدی	۴		
شوم	۵	ترس آور	۵	جنگی	۴		
قلم	۶	دور دست	۵	لبه	۴		
ترس	۶	چایخانه	۵	نمایش	۴		

پدر	۶	کتابخانه	۵	نخستین	۴		
شب	۶	کتابفروش	۵	شهرستان	۴		
گربه	۶	کتابخوان	۵	کاغذی	۵		
دیوار	۶	آخرزمان	۵	روزگار	۵		
باریک	۶	رختخواب	۵	رها	۵		
میز	۶	سریا	۵	شورش	۵		
برهنه	۶	آهنگساز	۶	ناکام	۵		
نگاه	۶	دلهره‌آور	۶	برفک	۵		

۵ - کاربردشناسی واژگانی در متن «چتر، گربه و دیوار باریک»

برای کاربردشناسی واژگان «چتر، گربه و دیوار باریک» پربسامدترین کاربردهای واژگانی آن‌چنان که در مطالعات و بررسی‌های سبک‌شناسی لحاظ شده است (شمیسا، ۱۳۸۴: ۱۵۳) برشمرده می‌شود. اگرچه این متن کوتاه است اما به سبب غنای واژگانی نویسنده، سرشار از واژگان و موارد قابل بررسی است، در این پژوهش به مواردی پرداخته‌ایم که ارزش سبکی داشته‌اند. به گفته سیروس شمیسا؛ این خصیصه‌ها چه به لحاظ لفظی و چه ادبی و چه فکری می‌بایست مکرر باشند (همان، ۹۹) مواردی و نمونه‌هایی که در این پژوهش به آنها پرداخته‌ایم در «چتر، گربه و دیوار باریک» با تکرار بالا وجود داشتند.

۵ - ۱ ساختمان واژگان

واژگان را از نظر ساخت می‌توان به دو نوع تقسیم کرد: ساده و غیرساده. واژگان غیر ساده به سه دسته مشتق، مرکب و مشتق - مرکب است. در متن «چتر، گربه و دیوار باریک» واژگان ساده، مشتق و مرکب بسامد بالاتری دارند. واژگان مشتق - مرکب کم‌رنگ‌تری در داستان دارند.

و موصوف

صفت‌ها و موصوف‌ها از مقوله‌های واژگانی به شمار می‌روند که ذیل واژگان مورد بررسی قرار می‌گیرند. استخراج مهم‌ترین صفت‌ها در متن «چتر، گربه و دیوار باریک» نگاه نویسنده به این مقوله را مشخص می‌کند. رضا قاسمی با بهره‌گیری از صفت‌هایی ساده و در عین حال خلاقانه و متناسب با درک و دریافت مخاطب سبب شده تا این متن بدون دست‌انداز و پیچیدگی روایی پیش برود.

حالت غیر عادی مرا دیده بود (قاسمی، ۱۳۷۶: ۱).

آن روز درس تازه‌ای داشتیم (قاسمی، ۱۳۷۶: ۱).

نوشتن انشا چیز تازه‌ای بود (قاسمی، ۱۳۷۶: ۱).

من روزی آن کشوی سحرآمیز را که قلمرو ممنوعه او بود، باز کرده‌ام (قاسمی، ۱۳۷۶: ۲).

میان اشیای مرموزی که آنجا بود (قاسمی، ۱۳۷۶: ۲).

گاو حیوان مفیدی است (قاسمی، ۱۳۷۶: ۲).

من پسر بزرگ خانواده (قاسمی، ۱۳۷۶: ۲).

صدای جادویی اتفاقی بود که آن را نمی‌شناختم (قاسمی، ۱۳۷۶: ۲).

طوفانی مهیب از دستم ربود (قاسمی، ۱۳۷۶: ۲).

لاشه درهم‌شکسته‌اش را هم آن‌چنان با خود برد (قاسمی، ۱۳۷۶: ۲).

تا آن روز شوم که تصویرش در ذهنم شکست (قاسمی، ۱۳۷۶: ۲).

هیچ‌گاه از پچپچه بوی خوشی نمی‌آید (قاسمی، ۱۳۷۶: ۳).

چیزی را در هوا منتشر می‌کند که ذات ناامنی است (قاسمی، ۱۳۷۶: ۳).

چیزی مرا گره می‌زد به این صف ترس‌خورده و پریشان (قاسمی، ۱۳۷۶: ۳).

می‌رفتیم؟ چه سوال ابلهانه‌ای (قاسمی، ۱۳۷۶: ۳).

تیتیر درشت روزنامه کیهان زیر نگاه خیره پدر له می‌شد (قاسمی، ۱۳۷۶: ۳).

این معلم مهربان، این خدای زندگی‌ام آمده بود (قاسمی، ۱۳۷۶: ۴).

تا چتر حمایتش را بگستراند روی سر انشانویس نابغه‌ای که کوچک‌ترین فرد این صف رنگ‌پریدگان لرزان بود.

چه فلاکت غریبی در این کلمات بود (قاسمی، ۱۳۷۶: ۴).

در فضای تاریک میان ستارگان چیزی ویران شده بود (قاسمی، ۱۳۷۶: ۵).

همین که بازش می‌کردی عطری گیج‌کننده به مشام می‌رسید (قاسمی، ۱۳۷۶: ۵).

هستی من چیزی نبوده است مگر عرصه رویا‌های متناقض پدر (قاسمی، ۱۳۷۶: ۶).

۵ - ۳ قید

قیده‌ها نیز همچون صفت از مواردی به شمار می‌روند که ذیل واژگان قرار می‌گیرند. قیدهایی که نویسنده در این متن استفاده کرده در گروه قیده‌های زمان، مکان و مختص می‌گنجد.

احساس کردم پدر خوب وضع مرا درک کرده (قاسمی، ۱۳۷۶: ۱).

با خوشحالی دفتر را برداشتم و رفتم کنار او (قاسمی، ۱۳۷۶: ۱).

تا آن هنگام حتی نامش هم به گوشم نخورده بود (قاسمی، ۱۳۷۶: ۱).

چیزی را باید عیناً رونویس می‌کردیم (قاسمی، ۱۳۷۶: ۱).

این کاری بود که در واقع در همهٔ موارد زندگی می‌کردیم (قاسمی، ۱۳۷۶: ۲).

هر فایده‌ای که دارد، یکی یکی بنویس (قاسمی، ۱۳۷۶: ۲).

حالا همین‌ها را با خط خودت بنویس توی دفترت (قاسمی، ۱۳۷۶: ۲).

معلم آرام جلو آمد (قاسمی، ۱۳۷۶: ۲).

دیگر از جایزه خبری نشد (قاسمی، ۱۳۷۶: ۳).

هیچ‌گاه از پیچیده بوی خوشی نمی‌آید (قاسمی، ۱۳۷۶: ۳).

هرکسی می‌رود لاید می‌داند کجا (قاسمی، ۱۳۷۶: ۳).

بی‌اختیار برگشتم به سمت بغل‌دستی (قاسمی، ۱۳۷۶: ۴).

به هر حال بابت آن ساعت مچی ممنون (قاسمی، ۱۳۷۶: ۵).

از آن پس بر علیه این سرنوشت تحمیلی به شکل‌های دیگری تمرّد کردم (قاسمی، ۱۳۷۶: ۶).

تنها در لحظهٔ نوشتن همین سطرهایت که میان آن دو چیز مجزا یعنی کتاب و ساعت ارتباطی کشف می‌کنم (قاسمی، ۱۳۷۶: ۶).

۵ - ۴ عدد و معدود

یکی از کاربردهای واژگانی در متن «چتر، گربه و دیوار باریک» حضور اعداد در آن است. ذکر جری اعداد و پدیده‌ها در این متن

هدف اصلی رضا قاسمی نبوده است. عدد «یک» بالاترین بسامد را داراست.

همه چیز با یک ساعت مچی «وست اند واچ» شروع شد (قاسمی، ۱۳۷۶: ۱).

خودم یکی دو بار توی گل گیر کرده بودم (قاسمی، ۱۳۷۶: ۱).

چیزی را باید عیناً رونویس می‌کردیم. نه یک بار، نه دو بار، گاهی بیست سی بار (قاسمی، ۱۳۷۶: ۱).

کارگر شرکت نفت بود و شش کلاس بیشتر نخوانده بود (قاسمی، ۱۳۷۶: ۱).

اول بار بود از من خواسته شده بود فکر بکنم، آن هم دربارهٔ موضوعی که هیچ نمی‌شناختم (قاسمی، ۱۳۷۶: ۲).

دیده بودم همهٔ هشت بچه‌ای را که بعد از من به دنیا آمده بودند (قاسمی، ۱۳۷۶: ۲).

همهٔ آن چیزی که من دربارهٔ گاو می‌دانستم به یک خط هم نمی‌رسید (قاسمی، ۱۳۷۶: ۲).

آخر قیمت یک ساعت وست اند واچ ده‌ها برابر قیمت یک چتر بود (قاسمی، ۱۳۷۶: ۲).

یک روز وسط درس علم‌الاشیا فراش مدرسه در اتاق را باز کرد (قاسمی، ۱۳۷۶: ۳).

یک سو خانه‌های کارگران بود (قاسمی، ۱۳۷۶: ۳).

از من سه سالی بزرگتر بود (قاسمی، ۱۳۷۶: ۴).

چشم‌هاش مثل دو چشم شیشه‌ای تهی بود از هر شفاعتی (قاسمی، ۱۳۷۶: ۴).

با همان یک سیلی آزاد شدند (قاسمی، ۱۳۷۶: ۴).

من هفده سالیه بودم (قاسمی، ۱۳۷۶: ۴).

پدر در کشوی میزش کتابی چاپ شده داشت، کتابی در تیراژ یک نسخه (قاسمی، ۱۳۷۶: ۵).

سه سال تمام تلویزیون را تا برفک‌هایش و روزنامهٔ کیهان را تا آگهی‌های ترحیمش نگاه می‌کردم (قاسمی، ۱۳۷۶: ۵).

اما آن دو گربه تا سال‌ها بعد باز هم روی دیواری باریک مقابل هم درآمدند (قاسمی، ۱۳۷۶: ۶).

۵ - ۵ رنگ

یکی از کاربردهای واژگانی توصیف حالت یک پدیده است و در این میان رنگ‌ها نقشی محوری ایفا می‌کند. قاسمی در متن «چتر، گربه

و دیوار باریک» از چهار رنگ غیرتکراری نام برده و در این میان رنگ‌های «سیاه» و «سفید» بسامد بالاتری دارند.

عینکی دودی روی عضلات بخزدهٔ صورتی سنگی سکوت کرده بود (قاسمی، ۱۳۷۶: ۳).

معلم انشا آرام و باوقار نشسته بود روی صندلی سیاه رنگی کنار میز (قاسمی، ۱۳۷۶: ۴).

خندیده بود اما برق طلایی نبود (قاسمی، ۱۳۷۶: ۴).

غرقه در خون میان سپیدی کفن‌ها (قاسمی، ۱۳۷۶: ۴).

نگاه کردم به سپیدی ملافه‌ها (قاسمی، ۱۳۷۶: ۵).

۵ - ۶ جمع

یکی از قابلیت‌های غالب واژگان، جمع‌پذیری آنهاست. بسیاری از واژگان را می‌توان با افزودن نشانه‌های جمع، گسترش داد. البته

صورت‌های جمع غالباً در فرهنگ‌ها و مدخل‌ها ذکر نمی‌شوند و آنها را در ذیل مدخل اصلی ضبط می‌کنند. در این بخش پربسامدترین

واژگان جمع فارسی و عربی در متن «چتر، گربه و دیوار باریک» را می‌خوانیم.

۵ - ۶ اجمع فارسی

مهم‌ترین نشانه‌های جمع فارسی در داستان «تن‌تن و سندباد» به ترتیب نشانه‌های «ها» و «ان» است.

هیچ یک از فرزندانش حق ندارد تا زمانی که در قید حیات هستم این کتاب را بخواند (قاسمی، ۱۳۷۶: ۲).

همه‌اش لوله‌های نفت بود (قاسمی، ۱۳۷۶: ۲).

نمی‌دانم پدر در چشم‌هام درماندگی کدام یک از حیوانات روستایشان را دیده بود (قاسمی، ۱۳۷۶: ۲).

هیچ ربطی نداشت به پرت و پلاهایی که دیگران نوشته بودند (قاسمی، ۱۳۷۶: ۵).

در سکوت به گره ابروانش خیره شدم (قاسمی، ۱۳۷۶: ۲).

خدایی که برای سالها متانت و شخصیتش الگوی رفتار و زندگی‌ام بود (قاسمی، ۱۳۷۶: ۲).

چند آشنای دیگر باز هم از کلاس‌های بالاتر به صف لرزان ما پیوست (قاسمی، ۱۳۷۶: ۳).

یک سو خانه‌های کارگران بود (قاسمی، ۱۳۷۶: ۳).

پیچید به سوی منطقه سرسبز کارمندان (قاسمی، ۱۳۷۶: ۳).

زانو را ستون دست‌ها کرده بود (قاسمی، ۱۳۷۶: ۳).

عاملان قتل منصور دستگیر شدند (قاسمی، ۱۳۷۶: ۳).

این صف رنگ‌پریدگان لرزان بود (قاسمی، ۱۳۷۶: ۴).

یک دم لب‌هاش از هم گشوده شد (قاسمی، ۱۳۷۶: ۴).

زن‌ها در حیاط می‌خوابیدند (قاسمی، ۱۳۷۶: ۴).

اگر گرما به نهایت می‌رسید تخت‌ها را می‌کشاند به وسط این بیابان (قاسمی، ۱۳۷۶: ۴).

تکه‌ای از پا که بیرون زده بود از سپیدی مه و ملافه‌ها (قاسمی، ۱۳۷۶: ۴).

آتش جنگی در می‌گرفت تا باز همان سر‌ها و پاهای دست‌ها را ببینی (قاسمی، ۱۳۷۶: ۴).

آگهی‌های ترحیمش را نگاه می‌کردم (قاسمی، ۱۳۷۶: ۵).

مشق‌های موسیقی‌اش را آغاز خواهد کرد (قاسمی، ۱۳۷۶: ۵).

آن دست نامرئی دست کدام یک از گره‌های درونم بود (قاسمی، ۱۳۷۶: ۶).

۵ - ۶ - ۲ جمع عربی

از میان نشانه‌های متعدد جمع عربی، در متن «چتر، گربه و دیوار باریک» جمع مکسر کاربرد داشته است. می‌توان یکی از دلایل این کاربرد و رویکرد را در مأنوس بودن و طبیعی بودن این واژگان در میان سخنوران زبان فارسی دانست. از نشانه جمع «ات» نیز در مواردی استفاده شده است.

زورخانه‌ای دایر کرده بود، پایگاهی برای تبلیغ عقایدش (قاسمی، ۱۳۷۶: ۱).

او بود که با مکاتبات پیگیرش به این مقام یا آن سرانجام پای پست را به ده زادگاهش باز کرده بود (قاسمی، ۱۳۷۶: ۱).

میان اشیاء مرموزی که آنجا بود (قاسمی، ۱۳۷۶: ۲).

در همه موارد زندگی می‌کردیم (قاسمی، ۱۳۷۶: ۲).

ماشین و کشتی و اسباب و آلات صنعتی (قاسمی، ۱۳۷۶: ۲).

عینکی دودی روی عضلات یخ‌زده صورتی سنگی سکوت کرده بود (قاسمی، ۱۳۷۶: ۳).

خیمه زده بود در اطراف چیزی (قاسمی، ۱۳۷۶: ۴).

می‌رفت همه نرات مهتاب را از جنس خود کند (قاسمی، ۱۳۷۶: ۵).

به انبوه خفتگانی که به بقایای قتل عامی مهیب شباهت داشت (قاسمی، ۱۳۷۶: ۵).

بر علیه این سرنوشت به اشکال مختلف شورش کرده‌ام (قاسمی، ۱۳۷۶: ۵).

۵ - ۷ ضمائر

ضمایر غالباً هسته گروه‌های اسمی واقعی می‌شوند و از این رو می‌توان در دسته واژگان مرود بررسی قرار گیرند. ضمایر در غالب موارد جانشین اسم می‌گردند و به قرینه‌های لفظی و معنوی سبب حذف اسم می‌شوند. در این بخش پربسامدترین ضمایر جدا، پیوسته، شخصی و اشاره ذکر شده‌اند.

۵ - ۷ - ۱ ضمیر جدا

من نمی‌دانستم خر چطور توی گل گیر می‌کند (قاسمی، ۱۳۷۶: ۱).

با خوشحالی دفتر را برداشتم و رفتم کنار او (قاسمی، ۱۳۷۶: ۱).

اما هم او بود که برای اولین بار در ده زادگاهش زورخانه دایر کرده بود (قاسمی، ۱۳۷۶: ۱).

برای من اما نوشتن معنای اطاعت را داشت (قاسمی، ۱۳۷۶: ۲).

با حیرت به او نگاه نگاه کردم (قاسمی، ۱۳۷۶: ۲).

اول بار بود که به فکر من اهمیت داده می‌شد (قاسمی، ۱۳۷۶: ۲).

من به عمرم گاو ندیده بودم (قاسمی، ۱۳۷۶: ۲).

من پسر بزرگ خانواده بودم (قاسمی، ۱۳۷۶: ۲).

مرد عبوسی آمد که به ما امر و نهی می‌کرد (قاسمی، ۱۳۷۶: ۳).

من هفده ساله بودم، محصل دبیرستان و او ناظم دبستان (قاسمی، ۱۳۷۶: ۴).

انتظار نداشتم شما را در ساواک ببینم (قاسمی، ۱۳۷۶: ۴).

من ویران از ضربه‌ای که فرود آمده بود (قاسمی، ۱۳۷۶: ۵).

من می‌نوایسم بدون هیچ رویایی (قاسمی، ۱۳۷۶: ۵).

۵ - ۷ - ۲ ضمیر پیوسته

حتی نامش هم به گوشم نخورده بود (قاسمی، ۱۳۷۶: ۱).

برای اولین بار در ده زادگاهش زورخانه دایر کرده بود (قاسمی، ۱۳۷۶: ۱).

هیچ یک از فرزندانش حق ندارد (قاسمی، ۱۳۷۶: ۲).

من به عمرم گاو ندیده بودم (قاسمی، ۱۳۷۶: ۲).

کدام یک از حیوانات روستایشان را دیده بود (قاسمی، ۱۳۷۶: ۲).

تصویرش در ذهنم شکست (قاسمی، ۱۳۷۶: ۲).

چتری باشد برای لکنت حضورم (قاسمی، ۱۳۷۶: ۳).

برای همیشه از خانه‌مان رفت (قاسمی، ۱۳۷۶: ۳).

انشاهایشان را در تاریکی زیرگنبدها سر می‌دادند (قاسمی، ۱۳۷۶: ۴).

همه زندگی‌اش در طنبی آخرالزمانی می‌گذشت (قاسمی، ۱۳۷۶: ۵).

تسلیم سرنوشت شده‌ام (قاسمی، ۱۳۷۶: ۵).

۵ - ۷ - ۳ ضمیر شخصی

خودم یکی دو بار توی گل گیر کرده بودم (قاسمی، ۱۳۷۶: ۱).

از روی فکر خودت بنویس (قاسمی، ۱۳۷۶: ۲).

همین‌ها را با خط خودت بنویس توی دفترت (قاسمی، ۱۳۷۶: ۲).

داشت باورم می‌شد که آن انشا را واقعا خود من نوشته‌ام (قاسمی، ۱۳۷۶: ۲).

چنان با خود برد که گویی که هنوز در جایی از این جهان دارد می‌بردش (قاسمی، ۱۳۷۶: ۲).

چتری بود که زیر آن واقعیت‌ها خودشان را برهنه می‌کنند (قاسمی، ۱۳۷۶: ۶).

۵ - ۷ - ۴ ضمیر اشاره

آن روز درس تازه‌ای داشتیم (قاسمی، ۱۳۷۶: ۱).

این که چیزی نیست (قاسمی، ۱۳۷۶: ۱).

پیگیری مکاتباتش به این مقام یا آن (قاسمی، ۱۳۷۶: ۱).

حق ندارد تا زمانی که در قید حیات هستم این کتاب را بخواند (قاسمی، ۱۳۷۶: ۲).

باید چیزی باشد که از روی آن بنویسم (قاسمی، ۱۳۷۶: ۲).

همین‌ها را با خط خودت بنویس (قاسمی، ۱۳۷۶: ۲).

باورم می‌شد که آن انشا را خود من نوشته‌ام (قاسمی، ۱۳۷۶: ۲).

این هم جایزه انشای بسیار زیبایی که نوشته‌ای (قاسمی، ۱۳۷۶: ۲).

حمایتی در این نگاه نبود (قاسمی، ۱۳۷۶: ۳).

چند نفر دیگر که آنجا به صف بودند (قاسمی، ۱۳۷۶: ۳).

آن ساعت را پدرت خریده بود (قاسمی، ۱۳۷۶: ۵).

مثل همین رویای نویسنده شدن (قاسمی، ۱۳۷۶: ۵).

آن دو گربه تا سال‌ها بعد باز هم روی دیواری باریک مقابل هم درآمدند (قاسمی، ۱۳۷۶: ۶).

برای من نوشتن یعنی همین (قاسمی، ۱۳۷۶: ۶).

۵ - ۸ نام آوا

نام‌آواها با تکرار یک آوا می‌توانند مفهوم یک پدیده یا کنش واقع شوند و علاوه بر آن حس را نیز به خوبی به مخاطب منتقل کنند. در

متن «چتر، گربه و دیوار باریک» سه نام‌آوا وجود دارد.

صدای خش‌خش قلم بر کاغذ در آن سکوت اتاق، صدای جادویی اتفاقی بود که نمی‌شناختم (قاسمی، ۱۳۷۶: ۱).

به بی‌بی چیزی با معلم گفت (قاسمی، ۱۳۷۶: ۳).

تا صبح می‌گریست و بی‌وقفه به هق‌هق دم می‌گرفت (قاسمی، ۱۳۷۶: ۳).

۵ - ۹ واژگان بیگانه

از آنجا که زبان فارسی و عربی آنچنان به هم آمیخته‌اند که نمی‌توان واژگان عربی را از آن جدا کرد و زبانی عاری و خالی از واژگان

عربی را متصور شد، در این بخش به عنوان نمونه به چند واژه عربی اشاره کردیم. در متن «چتر، گربه و دیوار باریک» به دو واژه

انگلیسی، یک واژه فرانسوی و یک واژه روسی نیز اشاره کردیم.

۵ - ۹ - ۱ واژگان عربی

وسط درس علم‌الاشیاء فراش مدرسه در اتاق را باز کرد (قاسمی، ۱۳۷۶: ۳).

به هق‌هق دم می‌گرفت: «استغفرالله ربی و اتوب الیه» (قاسمی، ۱۳۷۶: ۳).

۵ - ۹ - ۲ واژگان انگلیسی

همه چیز با یک ساعت «وست اند واچ» شروع شد (قاسمی، ۱۳۷۶: ۱).

رویش به انگلیسی نوشته شده بود «Milk Kilm» (قاسمی، ۱۳۷۶: ۲).

۵ - ۹ - ۳ واژه فرانسوی

کتابی در تیراژ یک نسخه (قاسمی، ۱۳۷۶: ۵).

۵ - ۹ - ۴ واژه روسی

عنوانش را هم با حروف چاپی کنده بودند روی جلد گالینگور (قاسمی، ۱۳۷۶: ۵).

۵ - ۱۰ اسامی خاص

بخشی از کاربرد واژگانی در متن «چتر، گربه و دیوار باریک» به اسامی خاص اختصاص یافته است.

۵ - ۱۰ - ۱ اسم اشخاص

نکته قابل توجه در متن «چتر، گربه و دیوار باریک» این است که اسامی اشخاص بسیار کمرنگ است و جز اشاره به اسامی اشخاص معروف، اسم هیچ شخص دیگری نیامده است.

عاملان قتل **منصور** دستگیر شدند (قاسمی، ۱۳۷۶: ۳).

مرجع تقلید شیعیان جهان حضرت آیت الله العظمی **روح الله الموسوی الخمینی** (قاسمی، ۱۳۷۶: ۳).

روضه خوانان نوجوانانی که در شبهای ضربت خوردن **حضرت علی** (ع) به شیوه ای نمایشی چراغ های مسجد را خاموش می کردند (قاسمی، ۱۳۷۶: ۴).

به جدهام **زهر**ا من ساواکی نیستم (قاسمی، ۱۳۷۶: ۴).

۵ - ۱۰ - ۲ اسم مکان

این در شهرستان کوچکی مثل **بندر ماهشهر** صدا می کرد (قاسمی، ۱۳۷۶: ۴).

بعد هم برده بود لابد به **اصفهان** داده بود صحافی اش کرده بودند (قاسمی، ۱۳۷۶: ۵).

۵ - ۱۰ - ۳ اسم سازمان

ترس را، چمن به چمن، از محوطه سرسبز جلو عمارت **ساواک** با خود بردیم (قاسمی، ۱۳۷۶: ۳).

۵ - ۱۰ - ۴ اسم اثر هنری

تصنیف **گلبری جون** را می خواند (قاسمی، ۱۳۷۶: ۳).

نمایشنامه **«نامه های بدون تاریخ...»** حاصل این پس گردنی بود (قاسمی، ۱۳۷۶: ۶).

۵ - ۱۰ - ۵ اسم نشریات

آن روزها نخستین کار من در مجله **خوشه** چاپ شده بود (قاسمی، ۱۳۷۶: ۴).

روزنامه **کیهان** را تا آگهی های ترخیص نگاه می کردم (قاسمی، ۱۳۷۶: ۵).

۵ - ۱۰ - ۶ اسم برند تجاری

آن ساعت **«وست اند واچ»** و آن کتاب خاطرات برای من دو واقعیت مجزا بودند؛ بی هیچ ارتباطی به هم (قاسمی، ۱۳۷۶: ۱).

نتیجه گیری

در این بررسی واژگان کتاب متن «چتر، گربه و دیوار باریک» را در بخش های ساختار واژگانی، نقش های صفت و موصوف، قید، عدد و معدود، رنگ، نشانه های جمع فارسی، واژگان جمع عربی، ضمائر، نام آوا، واژگان عربی و فرنگی، اسامی خاص، اسم کشور استخراج کردیم.

بسامد و کاربرد این واژگان نشانه ای از گرایش و نوع نگاه نویسنده به مقوله واژگان است و اینکه برای انتقال داده ها و مضمون و معنای مورد نظر خود از چه راهکارهای مرتبط واژگانی بهره برده است.

واژگان را از نظر ساخت می توان به دو نوع تقسیم کرد: ساده و غیر ساده. واژگان غیر ساده به سه دسته مشتق، مرکب و مشتق - مرکب است. در متن «چتر، گربه و دیوار باریک» نوشته رضا قاسمی واژگان ساده، مرکب و مشتق بسامد بالاتری دارند. واژگان مشتق - مرکب حضور کم رنگ تری در داستان دارند.

قاسمی اندیشه های درونی راوی اول شخص (که خود نویسنده است) را با واژگانی روشن و گویا به تصویر کشیده است. بهره گیری از صفت هایی ساده و در عین حال خلاقانه و متناسب با درک و دریافت مخاطب سبب شده تا این متن بدون دست انداز و پیچیدگی روایی پیش برود. بسامد صفت های مشتق در متن «چتر، گربه و دیوار باریک» نسبت به دیگر انواع صفت بالاتر است.

در بخش قید، با قیدهایی متنوع مواجه ایم. نویسنده از قیده های زمان، مکان و مختص استفاده کرده است. قاسمی در بخش قیده ها بسیاری از حالات و موقعیت ها به خوبی و روشنی توصیف نشده است.

در بررسی اعداد به این نتیجه رسیدیم که ذکر جرئی اعداد و پدیده ها در این متن هدف اصلی رضا قاسمی نبوده است. عدد «یک» بالاترین بسامد را داراست.

یکی از کاربردهای واژگانی توصیف حالت یک پدیده است و در این میان رنگ ها نقشی محوری ایفا می کند. قاسمی در متن «چتر، گربه و دیوار باریک» از چهار رنگ غیر تکراری نام برده و در این میان رنگ های «سیاه» و «سفید» بسامد بالاتری دارند.

یکی از قابلیت های غالب واژگان، جمع پذیری آنهاست. بسیاری از واژگان را می توان با افزودن نشانه های جمع، گسترش داد. در میان نشانه های جمع فارسی نشانه «ها» بیشترین بسامد را در متن «چتر، گربه و دیوار باریک» داشته است.

از میان نشانه های متعدد جمع عربی، در متن «چتر، گربه و دیوار باریک» جمع مکسر کاربرد داشته است. می توان یکی از دلایل این کاربرد و رویکرد را در مأنوس بودن و طبیعی بودن این واژگان در میان سخنوران زبان فارسی دانست. از نشانه جمع «ات» نیز در مواردی استفاده شده است.

در بخش بررسی ضمائر، پربسامدترین ضمائر جدا، پیوسته، شخصی و اشاره ذکر شده اند. در بخش ضمیر جدا ضمیر «من» بسامد بالاتری دارد و یکی از دلایل این بسامد بالا، راوی اول شخص متن «چتر، گربه و دیوار باریک» است. در این متن ضمائر پیوسته نقشی پررنگ ایفا کرده و نسبت به سایر ضمائر بسامد بالاتری دارند.

در متن «چتر، گربه و دیوار باریک» سه مورد نام آوا وجود دارد. از آنجا که زبان فارسی و عربی آنچنان به هم آمیخته اند که نمی توان واژگان عربی را از آن جدا کرد و زبانی عاری و خالی از واژگان عربی را متصور شد، در این بخش به عنوان نمونه به چند واژه عربی اشاره کردیم. در متن «چتر، گربه و دیوار باریک» به دو واژه انگلیسی، یک واژه فرانسوی و یک واژه روسی نیز اشاره کردیم.

بخشی از کاربرد واژگانی در متن «چتر، گربه و دیوار باریک» به اسامی خاص اختصاص یافته است. نکته قابل توجه در متن «چتر، گربه و دیوار باریک» این است که اسامی اشخاص بسیار کمرنگ است و جز اشاره به اسامی اشخاص معروف، اسم هیچ شخص دیگری نیامده است. علاوه بر این به نام یک مکان، سازمان، مجله، داستان، اثر هنری و برند تجاری نیز اشاره شده است.

منابع و مأخذ

۱. احمدی گیوی، حسن (۱۳۸۰). دستور تاریخی فعل. تهران: نشر قطره.
۲. اوربان، جولان (۱۳۸۴). بازی‌های زبانی، بازی‌های نوشتاری - ویتگنشتاین و دریدا بازجستی همسنگ (تطبیقی). ترجمه احسان خاوندکار. نشریه بایا. شماره ۳۷.
۳. ایروانی، محمدرضا (۱۳۸۶). نگاهی به خاطره‌نویسی و مقایسه آن با زندگی‌نامه و سفرنامه. مجله زبان و ادبیات فارسی. سال سوم. شماره ۸.
۴. باطنی، محمدرضا (۱۳۸۳). توصیف ساختمان دستور زبان فارسی. چاپ پانزدهم. تهران: امیرکبیر.
۵. رامین‌نیا، مریم و ابراهیمی ایور، محمدرضا (۱۳۹۷). از بازخوانی سنت تا بازآفرینی متن مدرن: گونه‌های اقتباس و تأثیرپذیری در نمایشنامه‌های رضا قاسمی. فصلنامه پژوهش‌های ادبی. سال پانزدهم. شماره ۶۱.
۶. شمیسا، سیروس (۱۳۸۴). سبک‌شناسی نثر. تهران: نشر میترا.
۷. صفوی، کوروش (۱۳۷۳). از زبان‌شناسی به ادبیات. تهران: چشمه.
۸. طاهری، حسین و دستمالچی، ویدا (۱۳۹۹). پیکرگردانی و گشت اسطوره‌ای در رمان چاه بابل اثر رضا قاسمی. فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی. سال شانزدهم. شماره ۵۸.
۹. فرشید ورد، خسرو (۱۳۷۹). دستور مفصل امروز. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۰. قاسمی، رضا (۱۳۷۶). چتر، گربه و دیوار باریک. مجله آرش. شماره ۶۵.
۱۱. مشکوه‌الدینی، مهدی (۱۳۶۴). دستور زبان فارسی. چاپ چهارم. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
۱۲. مقدسی‌نیا، مهدی و سلطانی، علی‌اصغر (۱۳۹۳). کاربردشناسی زبان و سازوکارهای ادب‌ورزی در برخی از ادعیه شیعه. دوماهنامه جستارهای زبانی. دوره پنجم. شماره ۵ (پیاپی ۲۱).
۱۳. میرحاجی، حمیدرضا و نظری، یوسف (۱۳۹۲). بررسی بافت متن از دیدگاه برجسته‌ترین زبان‌شناسان قدیم مسلمان براساس الگوی حازم قرطاجی. دوماهنامه جستارهای زبانی. دوره چهارم. شماره ۲ (پیاپی ۱۴).
۱۴. نقویان، ناصرالدین علی و دیگران (۱۳۹۳). کاربردشناسی تجربی و کسری هنجارمندی بهره آموزش زبان خارجی از نظریه کاربردشناسی عام. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی. دوره ششم. شماره ۳.